

مریم درویش: بینا وکیلی مجموعه‌ای از جدیدترین نقاشی‌های خود را در گالری ایوان به نمایش گذاشته است. این نقاش جوان که آثار خود را در بیش از ۴۰ نمایشگاه انفرادی و گروهی در ایران، دوبی، کانادا، ارمنستان و فرانسه به نمایش گذاشته، سابقه چند دوره حضور در حراج کریستیز و حراج تهران را نیز دارد. با او به بهانه نمایشگاه جدیدش به گفت‌وگو نشستیم.

آثار نمایشگاه «عبور باید کرد» در عین شباهت‌هایی که با آثار چند سال اخیر شما دارد، تفاوت‌های بزرگی را هم نشان می‌دهد. این تغییرات چگونه به وجود آمد؟

کار من تحت‌تأثیر شرایط درونی و بیرونی است و دقیقاً مطابق اتفاقاتی که در محیط اطراف خودم و در سطح وسیع‌تر، در جهان می‌افتد و تأثیری که آنها روی من می‌گذراند، کار می‌کنم. در دو سال گذشته که این مجموعه شکل گرفت آن‌قدر اوضاع جهان عوض شده که طبیعتاً کارهای من را هم تغییر داده و تأثیرات آن وقایع در آثار این مجموعه بازتاب پیدا کرده است. در این دوره کارهای من با تأکید خیلی بیشتر همان دوگانگی از نظر بیرونی و درونی به تصویر کشیده شده که یکی نمایانگر دنیای بیرون ماست که آشفته و مغشوش است و با کلاژ فلزات و... فرم شهری را به وجود آورده و بخش دیگر دنیای درونی است که با بافت‌های نرم‌تر و فرم پیچان شرقی نشان داده شده و نقیبه به گذشته و خاطرات و دنیای رؤیایی درون ماست. اما در کارهای جدیدم بیشتر روی مفهوم تکیه کردم و همین فضای دوگانه این‌بار برای من درونی‌تر شده و دو عنصر متضاد نور و ظلمت را نمایان می‌کند. ظلمت، شرایطی است که در دنیای ما وجود دارد و نور، خوش‌بینی‌ای است که در وجود انسان شرقی وجود دارد و هنوز ما را به تغییر شرایط امیدوار می‌کند. این کارها نگاهی به آینده دارد و در آن نوعی امید و نوید به پیداکردن راهی میان همه این اغتشاشات دنیای بیرون و رسیدن به فردا و ادامه‌دادن راه وجود دارد.

آیا به نظر می‌رسد فرم جنین در آثار این مجموعه حضور پررنگ‌تری دارد...

تأکید بیشتر روی جنین‌ها در این دوره به دلیل نوعی خوش‌بینی است، اما منظور این نیست که شرایط دنیا بهتر شده است. چون ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که پر از مشکلات و چالش‌های داخلی و بین‌المللی است و هرقدر از این مشکلات فاصله داشته باشیم، باز هم تحت‌تأثیر آنها هستیم. به نظر من چالش‌هایی مانند مسائل خاورمیانه در چند سال اخیر خیلی وسیع‌تر بوده و شاید همین موضوع باعث شده نیروی مبارزه و تلاش برای حفظ امید بزرگ‌تر شود. هرچه فشار بیشتر باشد واکنش در مقابل آن هم بیشتر شده و باعث مقاومت می‌شود. با تأکید بر جنین‌ها خواستم بگویم هنوز زندگی ادامه دارد و امید هست.

آیا می‌توان وجود فرم جنین در آثار شما را بروز

گفت‌وگو با بینا وکیلی

خوش‌بینی، حوالت تاریخی انسان شرقی



نگاه زنانه در آثارتان دانست؟

پیام این دوره کارهای من یک نوع پیام آشتی و امیدبخش است که می‌گوید با وجود اینکه ظلمت وجود دارد، اما می‌شود آن را کنار زد. چنین نشانه زایش و امید است و طبیعتاً چون من یک زن هستم شاید اصلی‌ترین چیزی که در دنیای زنانه خیلی صریح و سریع به آفرینش و امید اشاره می‌کند، همان جنین است. انتخاب این فرم اصلاً به‌عمد نبوده و قصدی نداشتم روی زنانه‌بودن کار تأکید کنم، اما فکر می‌کنم این اتفاق بنا بر یک نیاز درونی شکل گرفت، چون قوی‌ترین فرمی که می‌تواند معنای مورد نظر من را برساند همان فرم جنین است که در کارهایم آمده و هرچقدر که این اغتشاش دنیای درونی بیشتر و به زندگی ما نزدیک‌تر شده، این فرم‌های جنینی هم مشخص‌تر و بزرگ‌تر شده‌اند.

دوره‌ای از کارهای شما به نقاشی آبستره اختصاص داشت و پس از آن به کارهای تا حدودی فیکوراتیو پرداختید. این تغییر چگونه و براساس چه نیازی شکل گرفت؟

کارهای قبلی من در دوره‌های مختلف انگار نگاهی از ارتفاع به زمین داشت و این نگاه در دوره‌هایی حالت جغرافیایی داشت. هرقدر زمان گذشت به جغرافیای انسانی نزدیک‌تر شد و فاصله نگاه من هم از ارتفاع به زمین کمتر شد. این فرم‌هایی که کار من را به مرز نقاشی فیکوراتیو نزدیک می‌کند، قبلاً هم در کارها و در بستر همان نقاشی‌های آبستره وجود داشتند اما مشخص نبودند. شاید به دلیل همان فاصله و ارتفاعی که در کارها وجود داشت همه‌چیز زیر لایه‌ای از ابرها و آنچه در فضا هست محو بود. این‌وجه تصویری موضوع است و از نظر مفهومی هم فکر می‌کنم هرچه حساسیت من نسبت به مسائل دنیای پیرامون ما بیشتر شد این فرم‌های فیکوراتیو درون کارها برجسته‌تر شدند. انگار ارتفاعی که من به زمین داشتم کمتر شد و مسائل و دغدغه‌های انسانی در سطح پیرامون ما برابرم خیلی برجسته‌تر شد و نگاهی اجتماعی‌تر در کارهایم به وجود آمد.

گفت‌وگو با بینا وکیلی

خوش‌بینی، حوالت تاریخی انسان شرقی



آیا اضافه‌شدن پل‌ها در آثار این مجموعه یک شی‌چنین فرم‌هایی را به صورت شاخص در آثارتان وارد کردید؟

اولین بار نیست که فرمی مشخص در کارهایم آمده و قبلاً هم چنین فرم‌هایی با تمرکز و برجستگی کمتر در کارها وجود داشت. ولی در این دوره، فرم‌ها خیلی واضح‌تر است و به‌عنوان یک عنصر اصلی در کارها استفاده شده است. پل، راه و حتی در بعضی از کارها فرم قایق است که همه آنها عنصری برای رشدن و برگردن فاصله‌ها هستند. البته خیلی بیشتر از اینکه این فرم‌ها از نظر تصویری مهم باشد، مفهوم آنها برابرم مهم است. فکر می‌کنم پل یا جاده وسایلی برای ارتباط برقرارکردن هستند و این موضوع هم از نگاه زنانه و خوش‌بینانه و هم از نگاه درونی و شرقی کارهای من می‌آید. شاید این‌بار پیام کارها خیلی عمل‌گرایانه‌تر از قبل است و این فرم‌ها از حالت رؤیا و تخیل خارج شده و می‌خواهد این نوید را بدهد که با وجود تمام بحران‌هایی که در دنیای ما وجود دارد هنوز راهی نجات‌بخش وجود دارد.

وقتی به ریشه‌های این موضوع فکر می‌کنم، می‌بینم یک حوالت تاریخی است که به ما شرقی‌ها داده شده است، چون مهارت این را داشتیم که در طول تاریخ با ظرافت خاصی که از ویژگی‌های انسان شرقی و به‌ویژه ایرانی است، از شرایط بحرانی مختلف که برای ما به وجود آمده با مهارت و حفظ فرهنگ و ارزش‌هایمان بگذریم و دوام آوریم. برای من این راز دوام‌آوردن است و تأکید روی این فرم‌ها اشاره‌ای به گرامی‌داشت این روحیه و پیدآوری به مخاطبان کارهای من است که این دوره‌ها هم می‌گذرد. عاملی که باعث دوام‌آوردن فرهنگ و تاریخ ما شده همین مهارت است که حتی فکر می‌کنم ریشه‌های آن به زنانگی برمی‌گردد، چون زن‌ها بیشتر مهارت ارتباط برقرارکردن و پل‌زدن بین فاصله‌ها را دارند و با ظرافت و هوش و خلاقت خاصی می‌توانند به راه خود ادامه دهند.

گفت‌وگو با ستاره امین‌الهی

ردپای رمز آلود آوندها بر تکه‌های چوب

به کار می‌گرفت و به زندگی و بودن من معنا می‌بخشید.

بازی حجمی با کلمات آشنا، چه در آثار هنرمندان ایرانی و چه هنرمندان خارجی سابقه بسیاری دارد. شما بر پایه چه ذهنیتی با کلمات

آشنایی مانند عشق، امید، نی و سین سلام این کار را کردید؟

بازی حجمی با کلمات آشنا در مجسمه‌سازی، همان‌گونه که گفتید، سابقه طولانی دارد. اما «خطی دیگر» لایه‌ای نو یا نام «کارکرد» را به ظاهر مجسمه‌وار کلمات افزوده است. قطعا به دنبال آن نیست تا یک خوش‌نویسی یا نقاشیخط زیبا را به‌عنوان مثال از سطح دودویی چوب ببرد و به بخشی از میز یا صندلی اضافه کند. دغدغه اصلی یافتن قابلیت‌ها در کارکردبخشیدن به حروف و کلمات فارسی است. در این‌گونه از طراحی می‌توانید بر ندانده و کشیدگی حرف سین بنشینید، یا در میان فضای خالی قافِ واژه عشق، دیوان شمس را قرار دهید. باور من این است که در الفبا



تجسمی

آیا در تعدادی از آثار این مجموعه

مهره‌های فلزی طوری کنار هم قرار گرفته و رنگ شده‌اند که یادآور زیورآلات ترکمن هستند. این موضوع اتفاقی بوده یا قصد داشتید از نشانه‌های شرقی و بومی در کار خود استفاده کنید؟

آنچه در نهایت در همه کارها برای من اهمیت دارد احیای سنت تصویرسازی و عنصر تزئینی نقاشی ایرانی است. نقاشی سنتی ایرانی فوق‌العاده ارزشمند است و به آن نه به صورت ظاهری و با اصرار بر استفاده از عناصری خاص، بلکه به صورت درونی در کارهایم توجه دارم و در بخشی از تابلوها که به شرق و درون اختصاص دارد این تأثیرپذیری دیده می‌شود. غیر از این فرم مهره‌هایی که از نظر شما شبیه زیورآلات ترکمن است، حتی آن فرم‌های پیچان ابرها به سنت نگارگری ایران اشاره می‌کند و خیلی اصول دیگر مانند قلم‌گیری‌ها و استفاده از بافت‌ها و رنگ‌هایی که در نقاشی ایرانی هست، همه بنا بر نیاز درونی و گرامی‌داشت نقاشی ایرانی در کارهایم وجود دارد. با وجود این قصدی نداشتم اشاره خاصی به هنر تزئینی یک منطقه داشته باشم و این اجزای فرهنگ و هنر ایران به صورت ناخودآگاه و درونی وارد کار شده، پس ممکن است در هر کدام از کارهای من یک ویژگی سنتی برجسته‌تر شده باشد.

پیش از این، از نقشه ایران در کارهای خود استفاده کرده بودید و در یکی از کارهای این نمایشگاه نمایی از خلیج فارس دیده می‌شود. چطور تصمیم گرفتید مفهوم سرزمین را به شکلی آشکار نمایش دهید؟

درباره خلیج‌فارس هم همین‌طور است و این نگاه مثل آبی می‌ماند که در جریان است. من نگاهی از بالا به این منطقه دارم که هم از نظر ظاهری و هم از نظر درونی به آن می‌پردازم. بنا بر موقعیت و شرایط دوره‌ای که اثر در آن خلق شده، شاید یک ویژگی با دقت و تمرکز بیشتری در کارها دیده شود. به خاطر ندارم در تاریخ ما اثر هنری وجود داشته باشد که نقشه ایران یا خلیج‌فارس به صورت واضح در آن نمایش داده شده باشد، اما در کار من هم این کار به‌عمد نبوده و این‌طور نیست که از قبل تصمیم گرفته باشم روی این موضوع کار کنم و مثلاً نقشه ایران را بکشم. اتفاقات مرا بسوق می‌دهد که در بستر همان تصویر کلی‌که در کارهام دارم، نقطه و مفهوم خاصی را از نظر تصویری برجسته‌تر کنم. حالا در دوره‌ای که نقشه ایران برجسته‌تر شده عوامل و اتفاقات اطراف روی آن تأثیر داشته و شاید این نیاز حس شده که پیام کار من عمل‌گرایانه‌تر و نتیجه‌بخش‌تر باشد، پس نقشه ایران با وضوحی بیشتر دیده شده است. درمجموع در همه کارهای من توجه به ایران، فرهنگ ایرانی، سنت‌ها و گرامی‌داشت آنها وجود دارد و درواقع حاصل تمام کارهای این دوره به‌نوعی پاسداشت این زیبایی‌امیدبخش است که در فرهنگ ما وجود دارد و راز ماندگاری این فرهنگ و سنت‌ها در همین است.

حروف زبان فارسی که با ویژگی‌های خاص گرافیکی خود قرن‌هاست خط فارسی را شکل داده‌اند، به نظر بسیاری از کارشناسان هنر و گرافیک جهان دارای زیباترین اشکال گرافیکی در میان حروف و خطوط زبان‌های مختلف هستند. نحوه و قابلیت خاص اتصال آنها به یکدیگر باعث به‌وجودآمدن خطوط زیبای پیوسته‌ای می‌شود که منشأ بسیاری از آثار خط‌نقاشی‌های قدیم و جدید هستند. جالب اینکه این اشکال رمزآلود را می‌توان به روش‌های مختلف اعم از کوفی، ثلث، نسخ، نستعلیق، شکسته و ... نوشت که در هر یک، با وجودی که اشکال حروف با هم متفاوت به نظر می‌رسند، زیبایی خاص، متفاوت و منحصربه‌فردی نهفته است. به غیر از استفاده‌های دوبعدی از این حروف در آثار گرافیکی و نقاشی، بوده‌اند هنرمندانی که این حروف را دستمایه آثار هنری سه‌بعدی خود قرار داده‌اند که شاید از معروف‌ترین آنها بتوان

به پرویز تاولوی و خصوصاً «هیج» یا «»های او اشاره کرد. آثاری که نه‌تنها اشارات گرافیکی بلکه اشارات فلسفی به مضمون کلمه نیز دارند. امروز به گمانم این اولین‌بار است که استفاده سه‌بعدی از این حروف را به صورت کاملاً کاربردی در هنر ستاره امین‌الهی می‌بینیم. ایشان نه‌تنها در کار خود به ارائه و تأکید بر زیبایی حروف زبان فارسی می‌پردازد، بلکه با استفاده بسیار خلاقانه سه‌بعدی، از آنها به صورت هنر کاربردی با عملکرد معلوم استفاده می‌کند. بی‌شک، معماربودن ایشان در خلق این آثار نه‌تنها بی‌تأثیر نبوده بلکه با استفاده از دانش معماری توانسته است راه‌حل‌های ایستایی و زیبایی‌شناسانه را به خوبی تلفیق و ارائه کند. علاوه بر زیبایی شکل و فرم، ظاهرا ایشان به معنا و مفاهیم هم در این آثار اشاره دارند که البته درک آن برای بیننده در برخورد اول آسان نیست.

تقدیر

تقدیر از ۳ هنرمند ایرانی در ترکیه

مسئولان فرهنگی ترکیه از شهرام ناظری، پری صابری و توفیق سبحانی به‌خاطر خلق آثار هنری و فرهنگی درباره مولانا تقدیر کردند. به گزارش ایسنا، شهرام ناظری با حضور در غرفه مرکز فرهنگ و توریسم قونیه هم‌زمان با دهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری در تهران برگزار شده است، با عبدالستار یارار، شهردار و مدیر این مرکز، دیدار و درباره مولانا و آثاری که دراین‌باره تولید کرده است، گفت‌وگو کرد. در این دیدار پری صابری که تئاتر «شمس پرده» را کارگردانی کرده و توفیق سبحانی، پژوهشگر و مولاناشناس، نیز حضور داشتند. حضور شهرام ناظری در نمایشگاه گردشگری بخشی از فضای آن راحت‌تأثیر قرار داد، به‌طوری‌که برخی از مردم برای گرفتن امضا و عکس یادگاری به غرفه ترکیه آمدند و در شرایطی که ناظری در حال گفت‌وگو با مدیر فرهنگ و توریسم قونیه بود، با او عکس یادگاری می‌گرفتند. عبدالستار یارار، شهردار و مدیر مرکز فرهنگ و توریسم قونیه، در این دیدار ضمن ابراز خوش‌حالی از حضور ناظری در ماکت آرامگاه قونیه که در این نمایشگاه برپا شده است، بیان کرد: خیلی خوشحالیم که دوستان حضرت مولانا را اینجا می‌بینیم و افتخار میزبانی از آنها را در این ماکت و در سرزمین ایران داریم. او خطاب به ناظری گفت: می‌دانید که در قونیه شیفتمان صدای شما و حتی خود شما بسیار هستند. او همچنین خطاب به پری صابری اظهار کرد: آرزو می‌کنم آثارشان در قونیه روی صحنه برود. او در ادامه از شهرام ناظری پری صابری برای اجرای تئاتر «شمس پرده» هم‌زمان با بزرگداشت مولانا در شهر قونیه دعوت کرد.

چکش سیاه

شش ماه از رأی مردم بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا می‌گذرد؛ اما هنوز معلوم نیست که تأثیر بلندمدت این تصمیم بر بازار هنر این کشور چه خواهد بود. این سؤال که آیا بریتانیا پس از این باید در بازار مشترک اروپا بماند یا نه هم بر سردرگمی‌ها افزوده است؛ اما تا حالا خریدوفروش هنر در شهر لندن، هرج‌ومرج برگزیت را به آرامی از سر گذرانده است. در این مدت پس از سقوط ارزش پوند که در ۳۱ سال گذشته بی‌سابقه بود، دلال‌ها و گالری‌داران تلاش کرده‌اند که خریداران خارجی در سطح جهانی را به خرید آثار هنری تشویق کنند و برخی از آنها حتی تا ۲۵ درصد تخفیف برای آثار گذاشته‌اند. درهمین‌حال به نظر می‌رسد گالری‌دارهای لندن مانند المین رج (Almine Rech) و تادانوس رویک (Thaddaeus Ropac) تأثیر خاصی از برگزیت ندیده‌اند و به‌تازگی یا گالری‌های جدیدی در پایتخت افتتاح کرده‌اند یا قرار است این کار را انجام دهند.

دلال‌های هنری هم ظاهراً به خبر انتقال برخی از بانک‌ها از بریتانیا به شهرهای دیگر مانند پاریس، دوبلین و فرانکفورت توجهی ندارند. پیتر کلیچمن دلال آثار هنری اهل زوریخ سوئیس، دراین‌باره می‌گوید: «بانک‌ها تنها به این دلیل لندن را ترک می‌کنند که به دسترسی آزاد به اتحادیه اروپا نیاز دارند؛ اما برای گالری‌ها و بازار هنر تنها مهم است که مجموعه‌داران و خریداران کجا هستند و لندن پس از برگزیت، باز هم شهر هنر است. برتری دیگر بریتانیا البته این است که انگلیسی زبان نخست جهان است.»

اما دیگر متخصصان هنر نگران‌اند که پس از برگزیت با تغییر میزان دسترسی بریتانیا به بازار مشترک، سیستم‌های جدید مالیاتی تعریف شود. پیر والتتین که وکیل در زمینه هنر است، توضیح می‌دهد که بردن آثار هنری از انگلستان به مالیت بر ارزش افزوده ممکن است به‌عنوان کالای وارداتی، شامل مالیات بر ارزش افزوده شود. برای مثال فرانسه اکنون ۵.۵ درصد مالیات برای کالاهای وارداتی دارد. در مقابل واردکردن آثار هنری از اتحادیه اروپا به بریتانیا نیز می‌تواند شامل مالیات پنج‌درصدی بشود.

والتتین در ادامه می‌گوید: «اگر تسهیلات مالیاتی که بریتانیا با اتحادیه اروپا برای جابه‌جایی آثار هنری دارد، از میان برداشته شود، بر درآمد دلال‌های هنر تأثیر می‌گذارد و میل آنها به شرکت در جشنواره‌های هنری کشورهای عضو اتحادیه اروپا کم می‌شود. همچنین کاغذبازی و مسائلی ازاین‌دست هم به وجود خواهد آمد. همچنین سیستم‌های کامپیوتری باید با این تغییرات سازگار شوند و این کار هزینه بسیار بالایی دارد و روندی زمان‌بر است.»

این وکیل توضیح می‌دهد که حراجی‌های بزرگ ممکن است برای کاهش ضررها برخی از برنامه‌های فروش خود را به شهرهای دیگر منتقل کنند؛ اما حراج کریستیز و ساتییز هر دو اعلام کرده‌اند که هیچ برنامه‌ای برای جابه‌جایی هیچ بخشی از سازمان خود ندارد. یک سخنگوی کریستیز ضمن یادآوری این نکته که هجوم فزاینده خریداران جهانی در نیمه دوم ۲۰۱۶ آنها را به آینده درخشان بازار هنر امیدوار کرده است، گفت: «هنگامی که روند سیاسی آشکارت‌ر شود، ما تجارت و فعالیت‌هایمان را با چارچوب‌های قانونی جدید سازگار می‌کنیم.»



برخی دیگر از صاحب‌نظران فکر می‌کنند که برگزیت فرصتی به بریتانیا داده است که اساساً از شش مالیات بر ارزش افزوده آثار هنری خلاص شود. گای استیر سینتلی، متخصص هنر، این پیشنهاد را این‌گونه باز می‌کند: «در واقع مالیاتی که اکنون برای آثار هنری وجود دارد، درآمد چندانی برای دولت به شمار نمی‌آید؛ زیرا بیشتر آثاری که وارد بریتانیا می‌شوند، در اصل حضور موقت در این کشور دارند و مالیاتی ندارند». حرف این دلال هنر ساکن لندن این است که برداشتن مالیات بر ارزش افزوده آثار هنری وارداتی هم‌زمان با خروج از بازار مشترک می‌تواند مشوق بزرگی برای دلال‌های هنر باشد که کار خود را به لندن منتقل کنند تا بتوانند آزادانه و هم‌زمان به بازار هنر بریتانیا، سوئیس، روسیه، ترکیه، خاورمیانه، چین و ژاپن دسترسی داشته باشند. او باور دارد که چنین کاری باعث می‌شود لندن در جایگاه یک قطب هنری بتواند با نیویورک رقابت کند. مدیر فدراسیون بازار هنر بریتانیا اخیراً اعلام کرد که تابله‌حال بازار هنر این کشور از برگزیت آسیبی ندیده است؛ چراکه بیشتر فعالیت‌های این بخش در خارج از اتحادیه اروپا انجام می‌شود. او در ادامه گفت: «با وجود اینکه اتحادیه اروپا شریک اصلی تجارت با بریتانیا در زمینه‌های دیگر است؛ اما ۸۵ درصد تجارت واردات هنر به بریتانیا که ارزش آن چهار میلیارد پوند در سال گذشته بود، از کشورهای غیر از اتحادیه اروپا می‌آید و تنها دو درصد از کل صادرات آثار هنری از بریتانیا به مقصد کشورهای اتحادیه اروپا انجام شده است.»

شکافی بزرگ میان نظرهای مختلف درباره تأثیر برگزیت بر بازار هنر وجود دارد؛ اما کسانی که پشتیبان لندن هستند، همگی باور دارند که پایتخت انگلستان از این آزمون سربلند بیرون خواهد آمد. دراین‌باره نیک کهوورت، مدیر مجموعه خصوصی «مدرن فرمز» در لندن می‌گوید: «برای بسیاری از مردم، لندن یکی از درخشان‌ترین شهرهای جهان است. لندن تاریخ و فرهنگی غنی دارد و فرهنگ‌های گوناگون از تمام جهان را در خود جای داده است و از این دید تنها نیویورک می‌تواند با آن رقابت کند. این ویژگی‌ها از تهدیدهای بسیار خطرناک‌تر از برگزیت جان سالم به‌در برده‌اند و همین ویژگی‌ها مجموعه‌داران ثروتمند و علاقه‌مند را که شریان حیاتی بازار هنر هستند، مانند گذشته به پایتخت بریتانیا می‌کنانند.»